پنج شنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۴ ■ شماره ۲۱۸۱۲ ■ ۱۴ محرم ۱۴۴۷ ■ ۱۰ جولای ۲۰۲۵

مشهد		تهران	
اذان ظهر:	۱۱:۳۷	اذان ظهر:	۱۲:۱۰
غروب آفتاب:	۱۸:۵۱	غروب آفتاب:	۱۹:۲۲
اذان مغرب:	۱۹:۱۲	اذان مغرب:	۱۹:۴۳
نیمه شب:	۲۲:۴۵	نیمه شب:	۲۳:۱۸
اذان صبح فردا:	۰۲:۳۸	اذان صبح فردا:	۰۳:۱۳
طلوع آفتاب فردا:	۰۴:۲۳	طلوع آفتاب فردا:	۰۴:۵۷

امام سجاد علیه السلام می فرمایند:
اَلْعَجَبُ کُلُّ الْعَجَبِ لِمَنْ عَمِلَ لِدَارِ الْفَنَاءِ وَ تَرَکَ دَارَ الْبَقَاءِ
شگفتا و شگفتا از کسی که برای سرای نیستی کار می‌کند و سرای ماندگاری را رها می‌نماید!
[الأمالی (للطوسی)، ص ۶۶۴]

روزنامه خراسان رتبه ۵ نشریات کشوری
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرعامل و مدیر مسئول: حسین سعیدی
سردبیر: حامد رحیم پور
دفترمرکزی: مشهد، بلوارشهید صادقی(سازمان آب)
کدپستی: ۹۱۸۵۸۹۵۹۷۱
تلفن: ۳۷۰۰۹۰۰۰ ۰۵۱
نمابردبیرخانه: ۳۷۶۲۴۳۹۵ ۰۵۱
پذیرش آگهی: ۳۷۰۱۰ ۰۵۱

روابط‌عمومی: ۳۷۰۰۹۱۱۱ ۰۵۱
پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹
نمابرجوابیه‌ها: ۳۷۶۵۷۷۷۲ ۰۵۱
نمابرآگهی‌ها: ۳۷۶۱۲۰۳۵ ۰۵۱
تلفن امورمشترکین: ۳۷۰۰۹۷۷۷ ۰۵۱
دفتر تهران: خیابان توانیر، خیابان نظامی گنجوی کوچه تاردان، پلاک ۲۳
تلفن وفاکس دفتر تهران: ۸۸۸۷۱۳۰۹ ۰۲۱

www.khorasanonlin.ir
e-mail:info@khorasannews.com
آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه خراسان را در سایت بخوانید

سامانه ثبت آگهی آنلاین خراسان: www.khorasanet.ir

چاپ‌مشهد: شهرچاپ‌خراسان | **چاپ‌تهران:** چاپخانه جام جم برتر برنا

روزنامه صبح ایران
خراسان
WWW.KHORASANONLIN.IR

تازه های مطبوعات

اطلاعات- ستیز بیهوده ای که اخیرا جماعتی نادان میان هویت دینی و ملی به راه انداخته اند سر دراز دارد. باید روی نقد و اشارت را به سوی تندروانی بگردانیم که سال ها هر اسم و رسم و تاریخ و داستانی را که به وطن مربوط می شد اگر به سخره نمی گرفتند، نفی می کردند و نادیده می انگاشتند. خاصه در سیما و صدا و محافل تندرو که نام های سهراب و رستم و نوشیروان و کورش را بر اراذل و دزدان در سریال ها می گذاشتند و نوروز را خرافات آتش پرستان می خواندند.

وطن امروز- این روزنامه در واکنش به بیانیه ۱۸۰ استاد دانشگاه در روزنامه دنیای اقتصاد نوشت: خطرناک ترین و در عین حال متزلزل ترین بخش بیانیه، فراخوان به «مذاکره سازنده با آمریکا و اروپا» درست در فردای یک تقابل نظامی مستقیم است. این پیشنهاد، نه نشان از حکمت صلح طلبانه، بلکه علامت یک خطای محاسباتی عمیق و اسیر ماندن در یک جهان بینی خطی و مکانیکی است که نسبت میان «قدرت میدانی» و «وزن دیپلماتیک» را درک نمی کند.

شرق- ابطحی رئیس دفتر دولت اصلاحات نوشت: اگر دولت مذاکره را نمی پذیرفت، باز اسرائیل و آمریکا مدعی می شدند که اگر مذاکره می کردیم، مشکلی به وجود نمی آمد. اما مذاکره این فرصت تبلیغاتی را از آن ها گرفت تا این که به وسط میز مذاکره موشک زدند. بی دلیل به ایران حمله کردند. آقای پزشکیان مظلوم ترین و شاید بدشانس ترین رئیس جمهور ایران، خسته نباشید. حالا که می بینید وفاق ملی مورد نظرتان به جای مسئولان در مردم موج می زند، قدر این مردم را بیشتر بدانید.

هم میهن- این روزنامه خطاب به رئیس دستگاه قضا نوشت: برخی افراد کوچک ترین حرفی یا سخنی مغایر با برداشت های رسمی یا حتی نیمه رسمی بزنند، فوری احضار می شوند. ولی عده ای دیگر هر چه می خواهند، می گویند؛ حتی اگر کشور را دوباره به لبه جنگ بکشانند. این چه وضعی است که یکی از آن ها یک روز برای سر ترامپ جایزه تعیین می کند و روز دیگر باریزپرنده ناف ترامپ را نشانه می روند.

انعکاس

الف نوشت: سخنگوی قوه قضاییه اظهار کرد: در پرونده فرزند و عروس کاظم صدیقی هیچ گونه تقصیری متوجه حجت الاسلام صدیقی نیست و موردی در این راستا به اثبات نرسیده است. حجت الاسلام والمسلمین صدیقی همچنین صریحاً تاکید داشته که از هر گونه اعمالی که در این پرونده منتسب به فرزند و همسر فرزندش، می باشد تبری می جوید.

فرارو نوشت: همزمان با فرا رسیدن سالگرد تاسیس شورای نگهبان و پایان دوره عضویت ۶ نفر از اعضای شورای نگهبان طی روزهای آتی، باید منتظر صدور احکام مربوط به عضویت ۳ نفر از فقهای این نهاد از سوی رهبر انقلاب و همچنین معرفی ۶ حقوقدان واجد شرایط از سوی رئیس قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی برای انتخاب ۳ عضو حقوقدان این شورای نگهبان باشیم.

چندثانیه نوشت: دهنوی سخنگوی تشخیص مصلحت نظام درباره «طرح تشدید مجازات جاسوسی» گفت: اعضای هیئت عالی نظارت برخی بندهای این طرح را واجد ابهاماتی دانستند بنابراین در راستای رفع ابهامات، این طرح به مجلس ارجاع شد.

فردا نوشت: سفارت چین در پاسخ به روزنامه اسرائیل هیوم (درباره صادرات تسلیحات به ایران) اظهار کرد: «سفارت محتوای این گزارش را نادرست می داند. چین به عنوان یک اصل، قاطعانه با گسترش سلاح های کشتار جمعی و سیستم های پرتاب آن ها مخالف است و به طور مداوم قابلیت های اجرایی خود را در زمینه عدم گسترش سلاح های کشتار جمعی تقویت می کند.»

توئیت سیاسی



در شرایطی که تداوم همدلی و انسجام کم نظیر مردم در پساجنگ ۱۲ روزه مهم است، برخی چهره ها صدای تمام ایرانیان شدند

پیشگامان گفتمان همبستگی ملی



جعفر یوسفی
info@khorasannews.com

در دل بحران‌های معاصر، جنگ تنها در میدان مین و موشک خلاصه نمی‌شود. واقعیت آن است که در عصر رسانه‌های دیجیتال و نبردهای شناختی، هر عملیات نظامی همزمان در دو جبهه پیش می‌رود: میدان نبرد فیزیکی و میدان نبرد ادراکی. در جنگ ۱۲روزه ایران و اسرائیل، آنچه بیش از هر چیز سرنوشت‌ساز شد، روایت بود؛ روایت از آنچه رخ داد، چرا رخ داد و چه معنایی باید به آن داد. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، جنگ روایت‌ها نه یک برساخت انتزاعی که یک مؤلفه کلیدی در پدافند ملی است. نوعی از حکمرانی افکار که همزمان اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی و سرمایه نمادین نظام را هدف می‌گیرد. دشمن در این جنگ، نه‌فقط با جنگنده و موشک، بلکه با محتوای چندلایه و پیچیده رسانه‌ای، به مرزهای ذهن مردم یورش برد. اما در این میدان، انتظار از نخبگان خصوصاً نخبگان سیاسی، فرهنگی آن است که کنشگرانه وارد شوند. یعنی نه‌فقط تماشاگر روایت‌سازی دشمن، بلکه پیشگام در ساخت و تثبیت روایت‌های عزتمندانه، واقع‌گرایانه و امیدآفرین باشند. این همان جایی است که ضعف ساختاری کشور در حکمرانی رسانه‌ای و جنگ روانی، عیان شد. با آن که ایران برخوردار از انبوهی از نهادهای فرهنگی و چهره‌های سیاسی نامدار است، اما در ساعات و روزهای حیاتی این نبرد، حضور نخبگان در میدان روایت‌سازی، اندک و پراکنده بود. در چنین فضایی، تنها انگشت‌شمار چهره‌هایی از طیف‌های گوناگون سیاسی بودند که توانستند نقش‌آفرینی مؤثری در میدان جنگ شناختی داشته باشند. آن‌ها با روایت‌هایی دقیق، معتبر و امیدبخش، همزمان به تبیین واقعیت، تقویت روحیه عمومی و بازسازی سرمایه نمادین کشور کمک کردند. در این میان، سه چهره بیش از دیگران تاثیرگذار بودند. دکتر علی لاریجانی مشاور رهبرانقلاب، آیت ا... احمد مروی تولیت آستان قدس رضوی و سرلشکر محسن رضایی فرمانده سپاه در ۸ سال دفاع مقدس.

علی لاریجانی؛ جهاد تبیین در میدان جنگ روایت‌ها

علی لاریجانی، چهره‌ای که از دل سنت فکری حوزه و خانواده‌ای ریشه‌دار در فرهنگ و فلسفه اسلامی برخاسته، در طول دوران مسئولیت‌های خود همواره نشان داده که قدرت تحلیل عمیق و تسلط کم‌نظیری بر زبان رسانه دارد. اما در بحران اخیر، او از جایگاه رسمی به میدان نیامد، بلکه به‌عنوان یک نخبه سیاسی فرهنگی مستقل ظاهر شد. ویدئوی صریح و هوشمندانه لاریجانی چند روز پس از آغاز جنگ، حامل پیامی روشن بود که در آن می گفت ما قربانی خرابکاری آمریکایی ها هستیم، اما ایستاده‌ایم. روایت او، هم مبتنی بر فکت بود، هم واجد روحیه عزتمندانه و هم زبان مردم را مخاطب قرار داده بود. او نه با ادبیات حماسی بی‌پشتوانه، بلکه با ترکیبی از واقع‌بینی سیاسی، سابقه تاریخی و اشراف به لایه‌های پنهان دیپلماسی، روایت جنگ را به نفع ایران بازآفرینی کرد. در کنار این ویدئو، مصاحبه تلویزیونی بعد از توقف جنگ نیز نقطه عطفی در مواجهه رسانه‌ای با پروژه‌های تحریف بود. کنایه‌های هوشمندانه‌اش به مقامات صهیونیست، شرح دقیق از تحولات میدانی و استنادهای مستند به روندهای بین‌المللی، از این مصاحبه یک سند تاریخی ساخت. در ادبیات جنگ‌های شناختی، چنین روایت‌هایی را «کنش‌های تقویت‌گر ادراک عمومی» می‌نامند. کنش‌هایی که روایت دشمن را به چالش می کشد و روایتی بدیل، مستند و جذاب برای مخاطب فراهم می کند.

آیت ا... مروی؛ متولی فرهنگ دینی در میدان رسانه

تولیت آستان قدس رضوی، آیت ا... احمد مروی، با درکی ژرف از اهمیت روایت‌سازی، تنها ساعاتی پس از توقف جنگ، نشست «فتح قریب» را طراحی و برگزار کرد. اقدامی که نه‌فقط از حیث زمان‌بندی، بلکه از نظر بار نمادین و پیام رسانه‌ای، واجد اهمیت استراتژیک بود. در شرایطی که ماشین رسانه‌ای دشمن با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های روانی و تبلیغاتی، در تلاش برای القای تصویر شکست به افکار عمومی بود، مروی با تکیه بر جایگاه دینی–فرهنگی آستان قدس، مجموعه‌ای از نخبگان رسانه، چهره‌های سیاسی و تحلیل گران را در حرم رضوی گردهم آورد و بیانیه‌ای صریح و امیدآفرین به جامعه مخابره و تلاش کرد به فعالان سیاسی و رسانه‌ای این را منتقل کند که روایت رسمی این نبرد را خودمان باید بنویسیم، نه دشمن. در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی، این قبیل اقدامات از جنس بازسازی گفتمان ملی پس از شوک تحلیل می شود. حرکتی که طی آن، یک نهاد ریشه‌دار با سرمایه اجتماعی تاریخی، با استفاده از ابزار مناسک، نمادها و سخنرانی های دقیق، توان بازآفرینی معنا و احیای انسجام عمومی را در میانه بحران به نمایش می گذارد. نشست «فتح قریب» نه یک حرکت تبلیغاتی، بلکه یک مداخله رسانه‌ای هدفمند بود. کنشی که ضرب‌آهنگ عملیات روانی دشمن را مختل کرد و به‌واسطه زمان‌سنجی دقیق و زاویه دید عمیق به موضوع جنگ، زمینه‌ای برای بازگرداندن حس عزت، اقتدار و اعتماد به فضای عمومی کشور فراهم ساخت. تولیت آستان قدس با این اقدام به موقع و شجاعانه نشان داد که نهادهای دینی اگر با درک زمانه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آیینی خود وارد میدان شوند، می‌توانند در خط مقدم جنگ شناختی عمل کرده و به یکی از ستون‌های پدافند رسانه‌ای تبدیل شوند.

محسن رضایی؛ بازگشت به خط مقدم جنگ شناختی

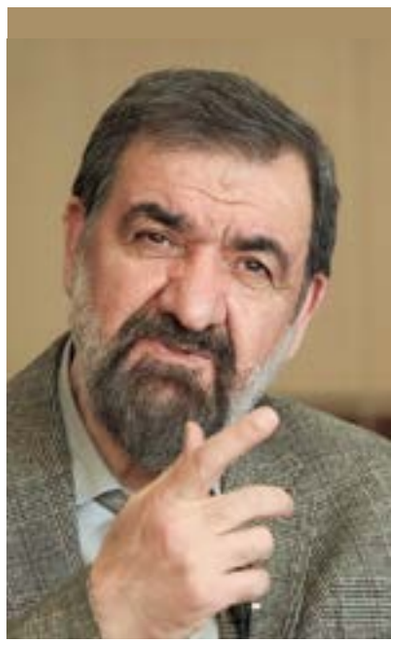
سرلشکر محسن رضایی که طی سال‌های اخیر در مقام سیاست‌ورزی تا حدی دچار فرسایش سرمایه اجتماعی شده بود، در جریان جنگ اخیر توانست به‌گونه‌ای بازسازی چهره انجام دهد که حتی منتقدان دیرین او نیز لب به تحسین گشودند. رضایی با بهره‌گیری از تجربیات فرماندهی‌اش در دفاع مقدس و زبان نظامی دقیق، در دو مصاحبه تلویزیونی به‌ویژه، گفتمانی برساخت که تلفیقی بود از روایت فنی، رجزهای هوشمندانه و امیدآفرینی هدفمند. او به‌درستی فهمیده بود که مخاطب امروز، بیش از وعده‌های کلی، تشنه دانستن جزئیات واقعی جنگ است. فکت‌های نظامی، تبیین سطح بازدارندگی ایران و تأکید بر پشتیبانی مردمی از نیروهای مسلح، از مصاحبه‌های وی روایتی ساخت که همزمان عینی، جذاب و عزتمندانه بود. رضایی حتی در چند مورد با ادبیات طنزآلود، شکلی از تحقیر رسانه‌ای دشمن را به کار بست که در روان مخاطب مؤثر افتاد؛ چیزی که در ادبیات جنگ نرم با عنوان برهم‌زننده ابهت دشمن از آن یاد می‌شود.

نبردی که هنوز ادامه دارد

اگر چه جنگ ۱۲ روزه از نظر نظامی به پایان رسید، اما نبرد روایت‌ها همچنان ادامه دارد. در این میدان، ابزار پیروزی صرفاً سلاح نیست، بلکه محتوا، زبان، زمان‌بندی و اعتبار سخنگوست. سه چهره‌ای که در این گزارش از آن‌ها نام برده شد، نمونه‌هایی از کنشگری مؤثر در لحظات بحران بودند. اما پرسش کلیدی آن است: چرا این فهرست این‌قدر کوتاه است؟ با وجود صدها نهاد فرهنگی و هزاران چهره سیاسی، چرا تنها انگشت‌شمار نخبگان توانستند نقش واقعی خود را ایفا کنند؟ پاسخ این پرسش، ما را به لزوم بازتعریف نقش نخبگان در شرایط جنگ ترکیبی رهنمون می کند. امروز بیش از هر زمان دیگر، کشور نیازمند نخبگانی است که همزمان به دانش تاریخی، سواد رسانه‌ای و جسارت ورود به میدان مجهز باشند. نخبگانی که روایتگر عزت باشند، نه منفعل در برابر تهاجم روایت دشمن. نخبگانی که پرچم‌دار ان همبستگی ملی و جهاد تبیین در میدان جنگ شناختی باشند.







خط تخریب رئیس جمهور از نقد عبور کرده و لحنی تهدیدآمیز به خود گرفته است تا جایی که برخی در داخل خواسته یا ناخواسته پروژه تل آویو را پیش می برند

خطربازی در زمین نتانیاهو

توکلی- مصاحبه اخیر رئیس جمهور با تاکر کارلسون، مجری آمریکایی، بحث‌های گسترده‌ای را در فضای رسانه‌ای و سیاسی کشور برانگیخته است. عده‌ای این مصاحبه را تلاشی هوشمندانه برای تفکیک میان ملت آمریکا و لابی صهیونیستی ارزیابی کردند، در حالی که دیگران با تمرکز بر نحوه بیان و سطح پاسخ‌های رئیس جمهور، آن را نشانه‌ای از ضعف در دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای دانستند و با توجه به شرایط کنونی کشور آن را منفعلانه توصیف کردند. فارغ از درستی یا نادرستی این تحلیل‌ها، آنچه نگران کننده است نه نقدهای کارشناسی، بلکه ورود به فاز تخریب شخصیت و حذف جایگاه رئیس جمهور قانونی کشور است. همزمان با انتشار گسترده مصاحبه پزشکیان، جریان خاصی در فضای مجازی به‌سرعت وارد عمل شد. این جریان با کلیدواژه‌هایی چون «عدم کفایت سیاسی» و «فشار برای استعفا»، کارزاری مجازی برای تضعیف موقعیت رئیس جمهور راه انداختند. به‌نظر می‌رسد این جریان‌ها در تلاش برای ساخت دوقطبی جدیدی با محوریت «بقا یا برکناری پزشکیان» هستند. دوقطبی که چندی قبل با محوریت امت - ملت شکل گرفت و اتحاد و انسجام کم نظیر در پساجنگ ۱۲ روزه را تحت الشعاع خود قرار داد. وقاحت یک عضو شورا در رشت اوج ماجرا اما نه در فضای رسانه‌ای، بلکه در ساختار رسمی کشور رخ داد. یکی از اعضای شورای شهر رشت، با وقاحتی بی‌سابقه در استوری اینستاگرام خود عکس پزشکیان را منتشر کرد و نوشت: «اسرائیل یه لطف می کنی؟ یه رئیس جمهور مارو که شهید کردی. مرحوم شهید رئیسی. ابوالفضلی این جدیده خیلی از اون قبلی انقلابی تره. ما خواهش داریم ایشون رو هم به درجه رفیع شهادت نائل کن. اصلا چهره رو ببین. یه ربع به شهادت. جون می ده شهید بشه. نور بالا می زنه. بوی شهادت می ده. قشنگ روی زمین جلوی چشم شما داره مانور می ده که بگه شما هیچی نیستید. اینو شهید کنید ما شکست جنگ رو می‌پذیریم. غول مرحله آخر ما همین ایشونه. چرا یه اصلاح‌طلب ترور نمی‌شه. مریضم دیگه. سوال می‌پرسم.» اکنون پرسش اساسی این است: اگر این حجم از جسارت و قانون گریزی با واکنش قاطع نهادهای مسئول مواجه نشود، چه الگویی برای دیگر تندروها ساخته خواهد شد؟ دوقطبی‌سازی؛ بازی خطرناکی که دو جناح در آن شریک اند جنگ ۱۲ روزه اخیر در غزه، همان‌قدر که صحنه شکست نظامی رژیم صهیونیستی بود، زمینه‌ای برای تست واکنش جامعه ایرانی نیز شد. متأسفانه مشاهده شد که برخی از عناصر سیاسی در هر دو جناح با ساختن دوگانه‌هایی چون «امت-ملت»، «تحریم‌ناپذیری-انفعال»، یا حتی «رئیس جمهور انقلابی-رئیس جمهور وابسته»، زمینه‌ساز شکاف اجتماعی شدند. امروز نیز با پروژه



حمله به رئیس جمهور منتخب، همان گفتمان دوقطبی، این بار با محوریت حذف رئیس قوه مجریه، وارد فاز اجرایی شده است. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب، بارها نسبت به خطر دوقطبی‌سازی و عواقب آن برای امنیت ملی هشدار داده‌اند. ایشان در یکی از بیانات خود در این باره به صراحت می گویند: «از دوقطبی‌های کاذب بپرهیزید. در کشور مدام دوقطبی درست می کنند: طرفدار زید، طرفدار عمرو؛ طرفدار فلان فکر، طرفدار [فلان]؛ این حرف‌ها چیست! آن کسانی که مبانی شما را، اصول شما را، دین شما را، انقلاب شما را، ولایت فقیه را، این چیزها را قبول دارند، برادر شما هستند، حالا گیرم یک اختلاف سلیقه‌ای هم با شما داشته باشند.» ۱۴۰۲/۰۹/۰۸

مسئولیت نهادهای امنیتی و قضایی؛ مقابله با وقاحت سیاسی

از میان همه عناصر نگران کننده این ماجرا، مهم‌ترین و خطرناک‌ترین مسئله، عادی‌سازی زبان خشونت، تهدید و براندازی نرم در پوشش نقد سیاسی است. ورود افراد فاقد صلاحیت حقوقی یا اخلاقی به سطح تهدید مستقیم علیه مقامات عالی کشور، تنها در صورتی کنترل می‌شود که نهادهای امنیتی، قضایی و نظارتی، بی‌ملاحظه، قاطع و بدون ترس از فضاسازی‌ها، وارد میدان شوند. اکنون دیگر وقت آن نیست که با این قبیل هتاکی‌ها با تسامح برخورد شود. شأن رئیس جمهور، نه تنها به‌عنوان یک شخص حقیقی، بلکه به‌مثابه نماد جمهوریت در نظام اسلامی، باید خط قرمز امنیتی باشد نقد بله، امانه تا مرز تخریب جمهوریت. در نهایت باید تأکید کرد که نقد سیاست‌ها و گفتار رئیس جمهور، حتی در سطح بالا و علنی، کاملاً مشروع و بخشی از پویایی سیاسی نظام است. اما آنچه رخ داده، عبور از مرز نقد به سمت تخریب جایگاه ریاست جمهوری و کشاندن کشور به بحران داخلی است. کسانی که با بازی در زمین دشمن، برای ضربه به دولت منتخب ملت تلاش می کنند، شاید ندانند که در حال ضربه به مشروعیت کلان نظام هستند. دفاع از رئیس جمهور، نه به‌معنای تایید همه گفته‌ها و عملکردها، بلکه به‌معنای دفاع از نظم قانونی کشور و مقابله با خشونت سیاسی و پروژه براندازی نرم است.

+نکته سردبیر



خطرناک‌ترین کار!

حامد رحیم پور- «ایران، آغل نیست!»، «ملت گرایی یا امت گرایی؟»، «زندانیان سیاسی را آزاد کنید!»، «رئیس جمهور را محاکمه کنید!» «دیپلماسی برای مذاکره!»، «کاش به جای سلاح، ساز بسازیم!» و... این ها گزاره ها و دوگانه هایی است که در سریع ترین زمان ممکن پس از جنگ ۱۲ روزه در فضای گفتمان داخلی در حال انتشار است. درواقع تصویر «واگرایی داخلی» در حال جایگزین شدن تصویر «همگرایی ملی» دوران جنگ است. دورانی که باید بر دشمنان و توطئه های آنان متمرکز شد، حالا به صحنه جولان عده‌ای تبدیل شده است که به دنبال گشودن خط تفرقه و دوقطبی درون کشور هستند. اصرار بر تقابل و ترویج اختلاف میان «مردم»، «مسئولان»، «میدان» و «دیپلماسی» در حالی که بالاترین سطح هماهنگی و انسجام بین این اضلاع مهم قدرت ملی در جریان است، یک اقدام علیه امنیت ملی در شرایط جنگی محسوب می‌شود. چنین عناصر و رسانه‌هایی چه بدانند و چه ندانند در میدان دشمن و به نفع رژیم جعلی صهیونیستی و آمریکای جنایتکار عمل می کنند.